



بیانات در ارتباط تصویری با مردم آذربایجان شریفدر سالروز قیام ۲۹ بهمن مردم تبریز در سال ۱۳۵۶ (۱) - 29 /بهمن/ 1399

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين سيما بقیة الله فی الارضين.

به مردم عزیز تبریز و آذربایجان سلام و تحیت عرض میکنم و روز تاریخی و فراموش نشدنی بیست و نهم بهمن را که امسال متأسفانه به خاطر ضرورت به این صورت برگزار میشود گرامی میدارم. ما هر سال در این حسینیه با حضور شما مردم عزیز و فضای پُرشوری که احساسات آذربایجانی و تبریزی شما ایجاد میکرد دلخوش بودیم و شما را از نزدیک زیارت میکردیم؛ امسال متأسفانه این [امکان] فراهم نیست؛ و این هم جزو حوادث گوناگون زندگی است؛ هر روزی به یک نحوی است. ان شاء الله امیدواریم که بزودی این موانع هم برطرف بشود.

ضرورت بهره‌گیری از برکات ماه رجب

حلول ماه رجب را به همه‌ی شما عزیزان، به اهالی تبریز و آذربایجان به عموم مردم ایران تبریک عرض میکنم و امیدوارم که همه از برکات معنوی این ماه بهره ببرند. خب بله در این ماه، اجتماعات وجود ندارد و آنچه هر سال برای مردم در اجتماعات عبادی و حال و ذکر و توجه میسر بود، امسال نیست لکن در خانه‌ها از دعا‌های رجب غفلت نشود؛ دعا‌های بسیار خوبی است، و این تعطیلی موقت اجتماعات نایستی موجب بشود که ما از برکات این ماه و از عبادت و دعا و توسل به درگاه الهی غافل بشویم.

آنچه امروز عرض خواهم کرد، چند کلمه در آغاز در مناقب تبریز و آذربایجان است. با اینکه در این زمینه زیاد صحبت کرده‌ایم اما تصوّر بنده این است که این حرفها باید تکرار بشود تا ذهن جوانهای عزیز ما بخصوص جوانهای عزیز آن خطه با این حقایق بیشتر آشنا بشود؛ چند کلمه در باب یادمان بیست و نهم بهمن ۵۶ - این حادثه‌ی تاریخی بسیار مهم - و چند جمله درباره‌ی درسی که امروز باید از این حادثه بگیریم و استفاده کنیم و با بهره‌برداری از این درس بزرگ، ضعفهایی را که امروز داریم باید برطرف کنیم. یک کلمه‌ی کوتاه هم درباره‌ی انتخابات عرض خواهم کرد.

افتخارات تبریز و منطقه‌ی آذربایجان: (۱) منطقه‌ای نخبه‌پرور

اما در باب تبریز، خب حادثه‌ی بیست و نهم بهمن ۵۶ یک حادثه‌ی پُرافتخار جهادی و عملیاتی بود؛ کار مهمی بود و واقعاً مایه‌ی افتخار مردم تبریز است، لکن افتخارات آذربایجان و افتخارات تبریز به این کار جهادی و امثال این کار جهادی محدود نمیشود؛ دامنه‌ی افتخارات این شهر و این منطقه بسیار گسترده‌تر است؛ من چند نمونه را عرض میکنم:

یکی مسئله‌ی نخبه‌پروری است. منطقه‌ی آذربایجان، بخصوص تبریز هم در علم، هم در هنر، هم در سیاست، یک منطقه‌ی نخبه‌پرور است. در علم، هم علوم دینی و هم علوم طبیعی و مادّی، در این ۱۵۰ سال اخیر -حالا قبل از آن را من خیلی تتبع نکرده‌ام- این منطقه از لحاظ [پرورش] فقهای بزرگ، از لحاظ حکمای بزرگ، از لحاظ متکلمین، از



لحاظ دانشمندان علوم طبیعی، یک منطقه‌ی ممتاز و حقیقتاً نخبه‌پرور است؛ پس نخبه‌پروری در علم، نخبه‌پروری در هنر [که به عنوان] یک نمونه از شعرای تبریز، هنرمندان تبریز، هنرمندان اقسام هنرها، مرحوم شهریار (رحمة الله علیه) را اسم می‌آورند و اسم می‌آوریم که بنده هم معتقدم، منتها فقط ایشان نبودند؛ شعرای زیادی در تبریز [بودند] که به فارسی یا ترکی شعر میگفتند. همچنین در سیاست هم آذربایجان شخصیت‌های برجسته‌ای را در گذشته و امروز تقدیم کرده؛ بنابراین یکی از خصوصیات این منطقه نخبه‌پروری است که این را باید نگه داشت، باید حفظ کرد.

۲) جریان‌سازی در تحولات تاریخی دو قرن اخیر

نکته‌ی دیگر، جریان‌سازی در تحولات تاریخی و سیاسی کشور است. باز در همین ۲۰۰ سال اخیر، ۱۵۰ سال اخیر وقتی که نگاه میکنیم، [آذربایجان] یک منطقه‌ی جریان‌ساز بوده است. یک وقت [هست که] کسی به یک ماجرای ملحق میشود، یک وقت کسی در یک ماجرا، جریان ایجاد میکند، تحوّل ایجاد میکند، در ایجاد آن جریان و تداوم آن جریان تأثیرگذاری میکند؛ تبریز و آذربایجان از این قبیل بوده است. از دوره‌ی فتوای تحریم تنباکوی مرحوم میرزای شیرازی که مرحوم حاج میرزا جواد مجتهد که یکی از برجستگان علمای تبریز و خانواده‌ی معروف مجتهد و مجتهدی هستند در این منطقه اثرگذار بودند؛ خب، میرزای شیرازی در سامرا بودند؛ اگر علمای بلاد ایران مثل میرزای آشتیانی (۲) در تهران و ایشان در اینجا و بعضی از علمای دیگر در مناطق دیگر نبودند، این فتوا همه‌گیر نمیشد و آن اثر مطلوب را نمیگذاشت. اینجا مرحوم حاج میرزا جواد در این زمینه فعال وارد میدان شدند. در مشروطه همین طور -که حالا بعد عرض خواهم کرد، اشاره خواهم کرد- پس بنابراین در تحولات تاریخی و سیاسی کشور، این منطقه و بالخصوص شهر تبریز و به طور کلی منطقه‌ی آذربایجان دارای این روحیه‌ی جریان‌سازی بودند.

۳) دژ استوار در مقابل حملات خارجی

نکته‌ی بعدی [این است که] آذربایجان دژ استوار ایران در مقابل حملات خارجی بوده؛ یعنی ما با همسایه‌های متعزّض و متجاوز -چه روسیه‌ی تزاری، چه عثمانی سابق، چه شوروی- همواره با حملاتی مواجه بوده‌ایم؛ اگر چنانچه آذربایجان نبود و تبریز نبود و مقاومتها نبود و ایستادگی‌ها نبود و جان‌فشانی‌ها نبود، ممکن بود این تعرّض به مناطق مرکزی کشور هم کشیده بشود. آذربایجان، سد و دژ مستحکمی بوده است که همواره این حملات را پس زده و جلوی آنها را گرفته.

۴) دلبستگی به اسلام و غیرت شدید به ایران

یک نکته‌ی بسیار مهم این است که منطقه‌ی تبریز و آذربایجان دو ویژگی هویتی ثابت و همیشگی داشته‌اند: یکی عبارت است از دلبستگی عمیق به اسلام و به دیانت اسلامی؛ و دوّمی غیرت و حمیت شدید نسبت به ایران؛ این همیشه در دورانهای مختلف در آذربایجان وجود داشته که به اسلام و ایران آن‌چنان اهمّیت داده‌اند و درباره‌ی آن آن‌چنان حمیت نشان داده‌اند که واقعاً یک برجستگی مهمّی است؛ آذربایجانی‌ها مکرّر در برابر توطئه‌های بیگانگان که میخواستند تجزیه کنند مناطق مختلف ایران را، در این منطقه در مقابل این تجزیه‌طلبی‌ها ایستاده‌اند و یکپارچگی کشور را حفظ کرده‌اند.

۵) داشتن چهره‌های نقش‌آفرین در مسائل کشور

یک نکته، نقش‌آفرینی چهره‌ها است. چهره‌های نقش‌آفرین در کلّ مسائل کشور در این منطقه زیادند؛ همین طور



که عرض کردم، در ماجرای تنباکو مرحوم حاج میرزا جواد، در اوایل قضایای مشروطه ستارخان و باقرخان - که باقرخان با پدر ما هم محله بودند، ایشان دیده بود باقرخان را در محله‌ی خیابان - و بعد در یک برهه‌ی دیگر، وقتی که روسها وارد تبریز شده بودند و آنجا بودند، مرحوم ثقة‌الاسلام (۳) و علمای بزرگ دیگری مجاهدت کردند، مبارزه کردند و به شهادت رسیدند. بعد در یک برهه‌ی دیگر، حرکت شیخ محمد خیابانی و میرزا اسماعیل نوبری که اینها وارد میدان شدند و کارها کردند که به شهادت خیابانی منتهی شد. در بحث انقلاب، در مسائل مقدماتی انقلاب، از روز اول، یعنی از سال ۴۲ که نهضت شروع شد، جزو علمای دستگیرشده‌ی از سراسر کشور سه نفر از علمای معروف تبریز بودند. بعد هم در حوادث گوناگون در روزها و اوقات مُشرف به انقلاب هم حرکت مرحوم قاضی (۴) و دیگران؛ بعد در مسائل خود انقلاب، شهید مدنی و شهید قاضی؛ در دفاع مقدّس، شهید باکری و امثال اینها؛ ده‌ها نفر از این قبیل شخصیت‌های برجسته هستند که اینها چهره‌های نقش‌آفرینند، اینها چهره‌های فراموش‌نشده‌اند. من عرض میکنم نباید گذاشت این تاریخ پُرافتخار به دست فراموشی سپرده بشود؛ این تاریخ را باید حفظ کرد. یقیناً بدون یک روایت درست از تاریخ آذربایجان، هر روایتی از تاریخ ایران ناقص است. در روایت درست مسائل آذربایجان، افرادی که اهل این کار هستند، کسانی که علاقه‌مند هستند، بایستی وارد بشوند. این، چند جمله‌ی کوتاه درباره‌ی آذربایجان و تبریز.

ویژگی‌های مردم آذربایجان در خلق حماسه‌ی بیست‌ونهم بهمین

و اما بیست‌ونهم بهمین سال ۵۶. امام بعد از حادثه‌ی بیست‌ونهم بهمین تبریز پیامی دادند؛ (۵) در آن پیام، امام سه خصوصیت را درباره‌ی مردم عزیز آذربایجان ذکر کردند؛ این کلمه‌ی «عزیز» هم در بیان خود امام هست که میگویند «مردم عزیز آذربایجان». سه خصوصیت را ذکر کردند: شجاعت، غیرت، تدبیر؛ این سه خصوصیت را امام بزرگوار در پیامشان برای آذربایجان بیان کردند. حقیقتاً هر سه خصوصیت شاخصه‌های مهمی هستند برای ارزیابی یک مجموعه‌ی انسانی و برای ارزش‌گذاری به فعالیت‌ها و تلاشهایی که این مجموعه انجام میدهد؛ یعنی شجاعت در جای خود، غیرت در مورد خود و تدبیر به همچنین.

وقتی که در بیست‌ونهم بهمین مردم تبریز قیام کردند - این به نظر من نکته‌ی مهمی است که باید به آن توجه کرد - [حوادث] نوزدهم دی قم را دیده بودند؛ این را که رژیم با چه سببیتی وارد میدان خواهد شد و مردم را کشتار خواهد کرد، دیده بودند. و رژیم هم خیال میکرد که بعد از حادثه‌ی قم، برق چشم را از مردم ایران گرفته است و دیگر کسی جرئت ندارد وارد میدان بشود. در چنین شرایطی، مردم تبریز با حجمی چند برابر آنچه در قم اتفاق افتاده بود وارد میدان شدند و ابتکار چهل‌م گرفتن را ایجاد کردند. اینکه سلسله‌ی چهل‌مها بعد راه افتاد و منتهی شد به آن حرکات عظیم مردمی، ابتکارش در تبریز اتفاق افتاد؛ یعنی تبری‌ها مبتکر چهل‌م گرفتن بودند برای شهدای قبل از خودشان. خوب این شجاعت آنها بود، ایمان آنها بود، غیرت آنها بود که آنها را به صحنه آورد و این حوادث بزرگ را رقم زد. اعتقاد من این است که اگر حرکت حماسی تبری‌ها در بیست‌ونهم بهمین نبود، ممکن بود حرکت خونین مردم قم در نوزدهم دی تک بماند و بتدریج به دست فراموشی سپرده بشود؛ مثل حرکت پانزدهم خرداد سال ۴۲ در آن دوران که بتدریج داشت به دست فراموشی سپرده میشد؛ البته بعد از انقلاب زنده شد اما قبل از انقلاب آرام آرام داشت از یاد مردم میرفت که در پانزدهم خرداد ۴۲ چه اتفاقی در تهران و قم و ورامین و مانند اینها افتاده است. نوزدهم دی مردم قم هم ممکن بود در صورتی که تبری‌ها به میدان نمی‌آمدند، به همین سرنوشت دچار بشود. مردم آمدند حماسه‌ی بیست‌ونهم بهمین را ایجاد کردند و حماسه‌ی قم را زنده نگه داشتند و خونی در رگهای نهضت جاری کردند.



خب، همین سه خصوصیت، یعنی شجاعت و غیرت و تدبیر، در حوادث انقلاب و بعد از انقلاب هم خودش را نشان داد؛ هم در قضایای اوایل انقلاب که دستهای بیگانه دنبال تجزیه‌طلبی بودند، مردم تبریز وارد میدان شدند، هم در دفاع مقدس؛ که لشکر عاشورا در آن روز یکی از لشکرهای خط‌شکن و شجاع بود و شهید باکری یک چهره‌ی فراموش‌نشده‌ی است که هرگز یاد او از ذهنها نمی‌رود و دوستان نزدیک او که با او همراه بودند - البته بنده هم ایشان را مکرر دیده بودم - و آنهایی که با او معاشر و همراه بودند، چیزهایی از نورانیت او، از معنویت او، از صفای او نقل میکنند که انسان را واقعاً دچار غبطه میکند. و بعد در فتنه‌ی خلق مسلمان، خود تبریزی‌ها [در صحنه] بودند؛ یعنی کسانی که آن فتنه‌ی خلق مسلمان را راه انداختند، تصور میکردند که میخواهند برای تبریز و آذربایجان کاری بکنند [اما] آن که در مقابل فتنه ایستاد، خود مردم تبریز بودند و آنها بودند که نگذاشتند و امام این را همان وقت گفتند؛ گفتند کسی نمیخواهد دخالت بکند، خود مردم تبریز جواب آنها را خواهند داد. بعد همچنین در سالهای بعد، در فتنه‌ی سال ۸۸، تبریزی‌ها یک روز زودتر از تهران و یک روز زودتر از همه‌ی کشور وارد میدان شدند و آن فتنه را خنثی کردند.

رد کردن هنجارهای نظام سلطه؛ عامل دشمنی‌ها با نظام اسلامی

خب، حالا این هم درباره‌ی بیست‌ونهم بهمن سال ۵۶ و اهمیت حادثه و عظمت حادثه که هیچ نباید این را فراموش کرد. خب حالا ما چه درسی از این میگیریم؟ بحث عمده‌ی من اینجا است. درس امروز ما از این حادثه چیست؟ خب، انقلاب اسلامی از آغاز با دشمنی ابرقدرت‌ها مواجه شد؛ یک جبهه به وجود آمد. ابرقدرت‌ها که میگوئیم، یعنی شوروی آن روز در کنار آمریکا؛ که در صد مسئله با هم اینها اختلاف داشتند اما در این مسئله‌ی مقابله‌ی با جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی و نظام برآمده‌ی از امام، این دو ابرقدرت با هم همراه بودند؛ اروپایی‌ها و قدرتهای اروپایی هم همین جور، دنباله‌روانشان - مرتجعین منطقه و دیگران - هم که همین جور؛ یک جبهه‌ای علیه انقلاب اسلامی تشکیل شد. خب، علت این دشمنی چه بود؟ این یک نکته‌ای است که ما هرگز نباید فراموش کنیم.

علت این دشمنی صرفاً این بود که نظام اسلامی هنجارهای نظام سلطه را رد کرده بود. آنچه بر دنیا حاکم بود، نظام سلطه بود. نظام سلطه یعنی چه؟ یعنی دنیا تقسیم میشود به دو بخش: بخش سلطه‌گر و بخش سلطه‌پذیر؛ سلطه‌گر بایستی مسلط باشد؛ هم سیاستش، هم فرهنگش، هم اقتصادش؛ و سلطه‌پذیر باید در مقابل سلطه‌گر تسلیم باشد. کشورهای دنیا تقسیم میشدند به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر؛ این یک هنجار جاافتاده‌ی جهانی بود. تقسیم کرده بودند دنیا را؛ یک بخشی از دنیا دست آمریکا، یک بخشی دست شوروی آن روز، بخشی هم دست قدرتهای درجه‌ی دوّمی که دنباله‌رو اینها بودند؛ این وضع دنیا بود. جمهوری اسلامی و نظام اسلامی و انقلاب اسلامی، این نظام را رد کرد؛ خب این، رگ حیات استکبار بود؛ هنجارهای نظام سلطه، رگ حیات استکبار بود؛ قوام استکبار به این بود؛ جمهوری اسلامی این را رد کرد، نظام اسلامی این را رد کرد، اینها هم در مقابلش ایستادند. البته برای اینکه دستاویزی داشته باشند، همیشه یک بهانه‌هایی جور میکردند: یک روز مسئله‌ی حقوق بشر، یک روز به شکلهای گوناگونی تسلط بی‌محابای دین زشت جلوه دادن، یک روز مسئله‌ی هسته‌ای، یک روز مسئله‌ی موشکی، یک روز مسئله‌ی حضور منطقه‌ای؛ اینها بهانه است، اصل قضیه این است که این نظام اسلامی حاضر نیست شریک نظام سلطه‌ی جهانی بشود و در سلطه‌گری و سلطه‌پذیری با آنها همراهی کند. نظام اسلامی ایستاده است؛ با ظلم مخالف است، با سلطه مخالف است.



مقابله با دشمن از طریق: (۱) استحکام بخشی به هویت ملی، به عنوان زیربنای فکری خب در برابر این دشمنی و این جبهه، این ملت عزیز و پایدار ما نیاز دارند به اینکه هویت خود را مستحکم کنند؛ شخصیت و هویت و عناصر هویتی خودشان را مستحکم کنند و قدرت درونی خودشان را ازدیاد ببخشند؛ این نیاز قطعی است. آنچه به یک ملت و یک نهضت هویت میدهد و قدرت میدهد چیست؟ اولاً دارا بودن یک زیربنای فکری مستحکم است. علت اینکه خیلی از کشورهایی که انقلاب کردند و حرکاتی را ضد سلطه و ضد استکبار و ضد ظلم و استبداد به وجود آوردند، بعد از مدت کوتاهی - بعضی‌ها بعد از پنج سال، بعضی‌ها بعد از ده سال - بکلی از آن راه برگشتند و رفتند در همان راه اسلاف (۶) خودشان و مثل آنها شدند، این بود که یک زیربنای فکری محکمی در اختیارشان نبود. اینکه می‌بینید گاهی در بعضی از کلمات بیگانه‌ها - که بعضی داخلی‌ها هم متأسفانه از آنها تقلید میکنند - ایدئولوژی‌زدایی مطرح میشود معنایش این است. دشمن اصلی برای سلطه‌گران، همین زیربنای فکری اصلی است که زیربنای اسلامی است؛ این زیربنا از اسلام گرفته شده؛ در بیانات امام به طور مبسوط این زیربنا توضیح داده شده. اگر مجلدات متعدد فرمایشات امام را ملاحظه کنید، این زیربنای فکری اسلامی و زیربنای عقیدتی کاملاً در آنجا متجلی است و بیانات گسترده‌ی امام راحل، یک ذخیره‌ی غنی در این زمینه است؛ بعد هم درسهای ارزشمندی از متفکران انقلابی ما در اختیار ما است، از شهید مطهری و شهید بهشتی و دیگران تا زمان حاضر که اینها از قرآن و متون اسلامی این زیربنا را گرفته‌اند و تأمین میکنند. البته بنده اعتقاد راسخ دارم که نیروهای فکری نظام اسلامی بایستی این راه را طی کنند و باز هم ادامه بدهند؛ روزه‌روز و نوبه‌نوبه بایستی این فکر را جلوه ببخشند و رونق بدهند؛ مسائل جدیدی که پیش می‌آید، پاسخهای جدیدی لازم دارد، این پاسخها را در اختیار جویندگان و پویندگان و جوانان بگذارند.

(۲) کمک به دشمن نکردن، نترسیدن و خسته نشدن، در مقام عمل خب این مربوط به زیربنای فکری [بود] که این لازم است، اما در مقام عمل هم یک چیزهایی لازم است، یعنی صرف وجود این زیربنا کافی نیست. در مقام عمل چه لازم است؟ نترسیدن، خسته نشدن، ناامید نشدن، تنبلی نکردن، ندانسته در نقشه‌ی دشمن وارد نشدن و به او کمک نکردن؛ اینها در عمل لازم است. در جای خود هم آماده‌ی فداکاری بودن؛ اینکه میگوییم در جای خود، یعنی یک مواردی پیش می‌آید که باید فداکاری کرد، باید جان را به کف دست گرفت:

نهد جان بر کف دست و رهاند
ز ننگ تیره‌روزی کشوری را (۷)

مثل شهید سلیمانی که جانش را کف دستش گرفته بود و وارد میدانهای گوناگون [میشد] و دیگر شهدای عزیز، مثل همین شهید باکری خودتان که ایشان در آن عملیات بسیار مهم و پیچیده و دشوار که آن طرف رودخانه‌ی دجله رفته بود و دوستان خودش را در آن لحظات قبل از شهادت صدا میکرد، میگفت بیایید ببینید اینجا چه خبر است. من نمیدانم او چه میدیده؛ از عالم غیب، از عالم معنوی، از ملکوت عالم وجود چه چیزهایی در مقابل او ظاهر شده بود که دعوت میکرد از شهید کاظمی و دیگران - که خود اینها میگفتند - که بیایید این طرف ببینید اینجا چه خبر است. خب اینها کسانی هستند که جانشان را کف دست گرفتند و فداکاری کردند. فداکاری در مواقعی لازم است لکن آنچه همیشه لازم است، همانهایی است که عرض کردم: خسته نشویم، ناامید نشویم، به دشمن کمک نکنیم، تنبلی نکنیم و بیکاری و عدم عمل را در زندگی خودمان نفی کنیم.



حضور، فداکاری، خسته‌نشدن و شجاعت امام و مردم در انقلاب و در صحنه‌ها البته ملت ایران خوشبختانه از این خصوصیات برخوردارند؛ انصافاً ملت ایران خسته نشدند، که خب شما نمونه‌هایش را در این تشییع جنازه‌ی عجیب شهید سلیمانی، بعد هم در این بیست‌ودوم بهمن امسال با این شرایط کرونایی، با ابتکار جدید که چطور وارد میدان شدند و با شور و شوق نگذاشتند بیست‌ودوم بهمن تعطیل بشود و در قضایای گوناگون دیگر دیده‌اید. در قیام بهمن تبریز هم همین خصوصیات دیده شد؛ یعنی همین نترسیدن، خسته نشدن، ناامید نشدن، وارد میدان شدن و فداکاری کردن.

در روزهای منتهی به بیست‌ودوم بهمن در تهران و در بسیاری از شهرستان‌ها همین جور [بود]؛ آنجا هم اولاً امام (رضوان الله علیه) بود که در جلوی جمعیت در واقع حرکت کرد. اگر امام شجاع نبود، اگر امام می‌ترسید، اگر امام ناامید میشد، اگر امام خسته میشد، اگر امام تنبلی میکرد، این حادثه‌ی به این عظمت اتفاق نمی‌افتاد. امام در قضایای روزهای آخر نهضت که منتهی به پیروزی انقلاب شد، لحظه به لحظه مراقب حوادث بود و داخل در جریانات بود تا رسید به آنجایی که حکومت نظامی را نفی کرد، مردم را به خیابانها کشاند و قضیه تمام شد. [ثانیاً] مردم هم شجاعت به خرج دادند و نترسیدند و وارد میدان شدند و به معنای واقعی کلمه حضور پیدا کردند.

پافشاری و استقامت در مسیر، لازمه‌ی حل مشکلات کشور هرگاه این مجاهدت باشد، هدایت الهی هم هست؛ یعنی وقتی این مجاهدت شد، این از خودگذشتگی به وجود آمد، خدای متعال وانمیگذارد؛ وَالَّذِينَ جَاهِدُوا فِينَا لِنَهْدِيَهُمْ سُبُلَنَا؛ (۸) وقتی مجاهدت بندگانش ظاهر بشود، خدای متعال هم هدایت خودش را به آنها خواهد داد؛ علاوه‌ی بر هدایت الهی، موفقیت و پیشرفت هم خواهد بود که فرمود: وَأَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً عَذْقًا. (۹) «ماء عذق» یعنی سیراب کردن از آب فروان و آب زلال که مفسرین میگویند کنایه از حل همه‌ی مشکلات زندگی است. اگر در این راه پافشاری کنید، استقامت کنید -استقامت یعنی منحرف نشدن- درست حرکت کنید، در همین طریق مستقیم حرکت بکنید، مسلماً مشکلات زندگی هم حل خواهد شد، گرفتاری‌ها برطرف خواهد شد، ضعفها برطرف خواهد شد؛ ما باید به این نکته همیشه توجه داشته باشیم. اهمیت راهی که ملت ایران تا امروز طی کرده بسیار بالا است؛ ما بایستی به این اهمیت واقف باشیم.

دستاوردهای انقلاب اسلامی برای ایران

دستاوردهای انقلاب حقیقتاً دستاوردهای عظیم و شگفت‌آوری است. البته متأسفانه ما کم کار کرده‌ایم در تبیین این دستاوردها؛ گاهی در سخنرانی، گاهی در یک بیان تلویزیونی یک چیزهایی گفته شده منتها خیلی بیش از این، میدان وجود دارد برای اینکه دستاوردهای انقلاب را بگوییم. حقاً در مهم‌ترین بخشهای حیات اجتماعی، انقلاب دستاوردهای فوق‌العاده و عظیمی دارد که حالا من دو سه موردش را عرض میکنم.

(۱) پیشرفت علمی کشور

یکی این است که انقلاب چهره‌ی کشور را، چهره‌ی ایران را از یک کشور عقب‌مانده‌ی علمی که بکلی از لحاظ علمی در آخرین صفهای کشورهای دنیا قرار داشت -کشور عقب‌مانده‌ی علمی، از لحاظ سیاسی طفیلی سیاست قدرتهای بزرگ، از لحاظ اقتصاد وابسته‌ی به قدرتهای بزرگ و در اختیار قدرتهای بزرگ؛ یعنی اقتصاد کشور ما در اختیار کشورهای بزرگ مثل آمریکا در یک برهه و انگلیس در یک برهه بود- تبدیل کرد به یک کشور آزاد، کشور مستقل، کشور عزیز، برخوردار از موفقیت‌های بزرگ علمی در رشته‌های مهم حیات امروز. امروز ایران در رشته‌های مهمی در



بین پنج کشور دنیا، شش کشور دنیا یا حداکثر ده کشور دنیا حضور دارد؛ این رشته‌ها، رشته‌های بسیار بااهمیتی است. کشور در این قسمت‌ها پیشرفت کرده و کشور مستقل، کشور آزاد، کشور آبرومندی است؛ این یکی از مهم‌ترین کارهایی است که انقلاب انجام داده.

تبدیل ملت ایران به ملتی پُرنشاط و سربلند
نقطه‌ی دوّم [اینکه] ملت ایران را از حال خمودگی و بی‌هدفی و دنباله‌روی بیرون آورده، به ملتی پُرتحرک، پُرنشاط، هدف‌دار، سربلند، آبرومند در دنیا تبدیل کرده. قبل از انقلاب این جوری نبود؛ مردم سرشان پایین بود، مشغول زندگی‌های خودشان [بودند]؛ یک هدف والایی، یک کار بزرگی، یک نگاه گسترده‌ای به مسائل جهان ابداً وجود نداشت؛ یک عده‌ی مخصوصی، عده‌ی کمی در مجموعه‌ی کشور چنین حالتی ممکن بود داشته باشند، اما مجموعه‌ی کشور این جور نبود. امروز ملت یک ملت شادابی است، ملت سربلندی است؛ با این همه جوان پُرتحرک. من در یک صحبتی (۱۰) عرض کردم که هزاران هسته‌ی جوان علمی امروز در کشور وجود دارد؛ مجموعه‌های گوناگون فراوان که مشغول کارهای علمی‌اند، مشغول کارهای فنی‌اند، مشغول کارهای اجتماعی‌اند که حالا یک نمونه‌اش مثلاً فرض کنید همین حضور جوانان - که آقای امام‌جمعه‌ی محترم بیان کردند - در قضیه‌ی کرونا، مثلاً در قضیه‌ی کمکهای مؤمنانه و مواسات با نیازمندان. جوانها وارد میدان میشوند، کار میکنند؛ این چیزها اصلاً در گذشته وجود نداشت؛ ملت تغییر کرد، ملت از یک حالت خمودگی به یک حالت نشاط وارد شد. این هم یک بخش.

۲) تبدیل مدیریت کشور از حکومت استبدادی به حکومت مردمی
نکته‌ی سوّم که بسیار مهم است، [اینکه] مدیریت کشور را از یک حکومت استبدادی پادشاهی و فردی تبدیل کرد به یک حکومت مردمی و جمهوریّت و مردم‌سالاری. امروز حاکم بر سرنوشت ملت ایران خود مردمند؛ مردمند که انتخاب میکنند؛ ممکن است خوب انتخاب کنند، ممکن است بد انتخاب کنند، اما مردم انتخاب میکنند؛ این خیلی چیز مهمی است. آن روز این حرفها وجود نداشت و کشور یک کشور استبدادی بود، همه چیز دست خودشان بود. یکی از این شخصیت‌های معروف آمریکایی که با محمدرضا رفیق بود، میگوید که رفتم ایران به محمدرضا گفتم فلان نخست‌وزیر آدم بی‌عرضه‌ای است، گفت شما کارت نباشد، من خودم همه‌ی کارها را دارم انجام میدهم! واقعه‌ش هم این جوری بود؛ سررشته‌ی همه‌ی کارها دست یک نفر بود و او تصمیم می‌گرفت و او [اقدام میکرد]؛ مردم اصلاً هیچ‌کاری محض بودند. حالا مردم که هیچ، دولتی‌ها هم هیچ‌کاری محض بودند؛ این هم یک بخش.

۳) خدمات سازندگی در کشور
بعد، خدمات انقلاب در سازندگی کشور. اصلاً من تعجب میکنم! بعضی‌ها که حالا یک حرفهای دیگری میزنند، چطور اینها را نمی‌بینند؟ این حادثه‌ی مهمّ خدمت‌رسانی به مردم را در پدید آوردن زیرساخت‌های اساسی. این همه زیرساخت اساسی در کشور به وجود آمده؛ راه، سد، آب‌رسانی، برق‌رسانی، گازرسانی، توسعه‌ی صنعت، نوسازی کشاورزی، گسترش اعجاب‌آور دانشگاه‌ها. در هر شهر کوچکی یک دانشگاه وجود دارد؛ این همه دانشگاه، این همه دانشجو! مثلاً فرض کنید که از ۱۵۰ هزار دانشجو در آن روز، ناگهان برسیم به مثلاً ۱۰ میلیون، ۱۵ میلیون دانشجو؛ که امروز سی برابر، چهل برابر آن روز دانشجو و فارغ‌التحصیل داریم در دانشگاه‌های گوناگون؛ اینها کارهای زیرساختی است و بسیار مهم است. و این کاری است کارستان که واقعاً اینها را انقلاب انجام داد و یک دولت معمولی، یک حکومت معمولی که انقلابی نبود، نمیتوانست این همه کار را انجام بدهد.



۴) تقویت نیروی دفاعی و نظامی کشور

علاوه‌ی بر اینها، تقویت نیروی نظامی و دفاعی کشور است. این کشوری است که در برابر حمله‌ی نیروهای معدود انگلیسی و غیر انگلیسی در جنگ [جهانی] دوّم، چند ساعت بیشتر نتوانست ایستادگی کند [اما] هشت سال همه‌ی نیروهای قدرتهای جهانی، یعنی آمریکا، شوروی، فرانسه، انگلیس، آلمان و دیگران و پولهای دولتهای مرتجع، زیر اسم صدام با ایران جنگیدند - یعنی یک جنگ بین‌المللی به معنای واقعی کلمه - و بعد از هشت سال هیچ غلطی نتوانستند بکنند و به وسیله‌ی نیروهای نظامی و دفاعی و مردمی ما، از مرزها اخراج شدند؛ این چیز کمی نیست. این مال سالهای اوّل انقلاب است، مال دهه‌ی اوّل انقلاب است که یک چنین حرکت عظیمی انجام گرفت. امروز که خب بحمدالله وضع نیروهای نظامی ما بمراتب [بهتر است]؛ یعنی نمیشود گفت ده برابر؛ ده‌ها برابر از آن روز جلوتر هستند. امروز بحمدالله کشور ما یک قدرت بزرگ منطقه‌ای است از لحاظ دفاعی و یک نیروی پُرتوان از لحاظ دفاعی در نگاه بین‌المللی است.

خب، اینکه روزبه‌روز توطئه‌های گوناگونی از طرف رژیم آمریکا و رژیم صهیونیست و بعضی از کشورهای اروپایی علیه کشور انجام میگیرد، به خاطر همین است که می‌بینند کشور توقف ندارد، انقلاب توقف ندارد، مدام انقلاب دارد جلو میرود و پیش میرود؛ این موجب میشود که آنها هم هر روز یک توطئه‌ی جدیدی را ساز کنند؛ (۱۱) و البته ان‌شاءالله قدرت ملت ایران و قدرت مسئولین و مأمورین کشور، این توطئه‌ها را خنثی خواهد کرد.

اذعان به عقب ماندگی در برخی بخشها و لزوم انقلابی عمل کردن برای رفع آنها
خب، اینها دستاوردهای انقلاب است، چیز کمی نیست؛ ما این دستاوردها را باید بشناسیم و بدانیم. البته ما هرگز پنهان نکردیم، باز هم پنهان نمیکنیم که در بخشهایی هم عقب‌ماندگی داریم؛ عقب‌ماندگی‌هایی که به هیچ وجه قابل قبول نیست. در این عقب‌ماندگی‌ها مقصّر خود ما هستیم، خود ما مسئولین مقصّریم؛ مردم هم در یک بخشهایی ممکن است دخالت داشته باشند. این عقب‌ماندگی‌ها باید جبران بشود؛ این به خاطر انقلابی عمل نکردن ما است. ما هر جا انقلابی عمل کردیم، عقب‌ماندگی نداشتیم، هر جا از انقلاب کوتاه آمدیم، یک حرکت غیر انقلابی و حرکت ناشی از کسالت و بی‌توجهی انجام دادیم، عقب‌ماندگی به وجود آمد؛ که در درجه‌ی اوّل، مسئله‌ی معیشت طبقات فقیر است، ما در این زمینه عقب‌ماندگی داریم و اختلاف و شکاف طبقاتی هست. البته این را هم بگویم، در همین زمینه‌ای که ما عقب‌ماندگی داریم، در مقایسه‌ی با قبل انقلاب بمراتب جلو هستیم. اینکه کسی خیال کند که وضع قبل از انقلاب مثل وضع امروز بود، اصلاً این جور نیست.

آن روزها خب بنده در میدان کار بودم و با طبقات مختلف، طبقات فقیر، در مشهد و در آنجایی که بودیم [ارتباط داشتیم]؛ و از جاهای دیگر هم ما بی‌اطلاع نبودیم؛ وضع، بسیار با امروز متفاوت بود و بسیار بد بود؛ امروز از آن جهت هم ما پیشرفت کرده‌ایم منتها این [جایی] که ما امروز هستیم باب شأن انقلاب نیست؛ ما بایستی خیلی بیش از این حرکت می‌کردیم. شکاف طبقاتی بایستی از بین برود و عدالت اقتصادی به معنای واقعی کلمه بایستی مستقر بشود در کشور؛ این وظیفه‌ی ما است، این کار ما است، بایستی انجامش بدهیم. قبل از انقلاب، جمعیت کشور ۳۵ میلیون بود، امروز ۸۵ میلیون است؛ آن روز چند برابر امروز از درآمد نفت استفاده می‌کردیم - نفت می‌فروختیم و استفاده می‌کردیم - امروز علاوه‌ی بر تحریم که اضافه شده، این مقدار فروش نفت هم هرگز نداشته‌ایم - مثل قبل از انقلاب که آن روز شش میلیون بشکه نفت می‌فروختند؛ آن طور که معروف بود - و در عین حال خب بحمدالله کارهایی انجام گرفته ولی آن کارها خیلی کم است.



برجسته کردن ناکامی‌ها؛ جنگ روانی دشمن برای ناامید کردن مردم به این توجّه کنید: دشمن روی ناکامی‌های ما تبلیغات میکند، جنگ روانی میکند، روی آنها تکیه میکند؛ ناکامی‌ها را چند برابر بزرگ‌تر از آن مقداری که هست نشان میدهد. البته پیشرفته‌ها و بسامانی‌ها را مطلقاً نشان نمیدهد و به آنها اشاره‌ای نمیکند و عمداً پیشرفته‌ها را کتمان میکند؛ این برای آن است که جوانهای ما را ناامید کنند، این برای آن است که مردم ما را نسبت به آینده بدبین کنند؛ باید به این توجّه داشت؛ ولی خب از دروغ هم باکی ندارند. البته چیزهایی را مبالغه میکنند [ولی] در مواردی هم دروغ میگویند؛ و بعضی از عناصر داخلی خودمان هم از روی غفلت -حالا ممکن است بعضی‌ها هم مغرض باشند اما غالباً از روی غفلت- همان حرفهای آنها را تکرار میکنند و بازتاب میدهند. ما این نابسامانی‌ها را داریم؛ ناکامی‌هایی وجود دارد که باید برطرف بشود.

لزوم تقویت حساسیت مردم نسبت به نابسامانی‌ها و فسادها
مردم ما هم امروز از اوایل انقلاب نسبت به این نابسامانی‌ها حساس‌ترند. امروز مردم نسبت به فساد حساسند، نسبت به فاصله‌ی طبقاتی حساس‌تر از اوّل انقلابند؛ این چیز بدی نیست، این چیز بسیار خوبی است؛ این نشان‌دهنده‌ی آن است که مردم با آرمانهای انقلاب آشنايند و دنبال آن آرمانهايند، لذا اعتراض میکنند؛ به فساد اعتراض میکنند و هر جایی که مبارزه‌ی با فساد باشد، مردم در آنجاها علاقه نشان میدهند و طرف‌داری نشان میدهند و دلگرمی نشان میدهند؛ آنجایی که حرکت به سمت کمک به مردم ضعیف باشد، ایجاد عدالت و استقرار عدالت باشد، مردم طرف‌داری و حمایت نشان میدهند؛ این خیلی مهم است و نشان‌دهنده‌ی گرایش مردم است؛ همین را باید تقویت کرد.

لزوم جبران ناکامی‌ها و ضعفها با دستاوردها
ما وظیفه داریم با دستاوردها، ناکامی‌ها و ضعفها را جبران کنیم. ببینید، این یک نکته‌ی مهمی است. دستاوردهایی داریم که از جمله‌ی این دستاوردها خود همین جوانهای علاقه‌مند و مبتکر و نیروهای انسانی آماده‌به‌کارند؛ اینها جزو دستاوردهای ما است. ما با کمک دستاوردها بایستی ناکامی‌ها را جبران کنیم؛ دشمن عکس این را میگوید؛ دشمن ناکامی‌ها را جلو می‌آورد، میگوید نگاهتان به ناکامی‌ها باشد، دستاوردها را فراموش کنید، مسیر انقلاب را رها کنید؛ این حرف دشمن است. ما بعکس، میگوییم که به کمک دستاوردهایمان بایستی ناکامی‌ها و ضعفها را برطرف کنیم و انبوه دستاوردها را ببینیم و از آنها برای کمک به برداشتن ضعفها ان‌شاءالله استفاده و بهره‌برداری کنیم.

خوشبختانه شور انقلابی در مردم زنده است؛ همان طوری که عرض کردم، آن تشییع جنازه‌ی عجیب و واقعاً بی‌نظیر [را داشتیم]. ما در تاریخ کشورها این جور تشییع جنازه‌ای را که میلیون‌ها نفر در سراسر کشور تشییع کنند ندیده بودیم و بی‌نظیر بود؛ بعد هم قضایای بعدی، و بیست‌ودوم بهمن امسال هم که بحمدالله نشان‌دهنده‌ی شور انقلابی مردم بود. بنابراین، از گذشته بهره بگیریم برای درست کردن آینده و هموار کردن راه به سوی سرنوشت.

علاج دردهای مزمن کشور در انتخابات پُرشور و انتخاب اصلح
یک جمله [هم] درباره‌ی انتخابات عرض بکنم. انتخابات در کشور ما یک فرصت بسیار بزرگ است؛ این فرصت را نباید از دست داد. البته مخالفین جمهوری اسلامی نمیخواهند جمهوری اسلامی از این فرصت استفاده کند. انتخابات این خصوصیات را دارد: این یک امکان برای ملت است، یک ظرفیت بزرگ برای پیشرفت کشور است؛ شور انقلابی



مردم را نشان میدهد. وقتی مردم در انتخابات شرکت کنند و شور انقلابی خودشان را نشان بدهند، این موجب امنیت کشور میشود، این موجب پس زدن دشمنان میشود، طمع دشمن را در کشور کم میکند. انتخابات هر چه پُرشورتر، هر چه با اقبال عمومی مردم بیشتر همراه باشد، اثرات و منافعش برای کشور و برای خود مردم بیشتر خواهد بود. و البته عرض کردیم دشمنان این را نمیخواهند؛ لذا هر وقت نزدیک انتخابات میشود - در همه‌ی دوره‌ها؛ ما نزدیک چهل انتخابات داشتیم در این سالها - اینها شروع میکنند، گاهی میگویند آزادی نیست، گاهی میگویند دخالت فلان است، گاهی میگویند مهندسی است، گاهی میگویند چنین است، برای اینکه مردم را دلسرد کنند از حضور در انتخابات؛ این، کار دشمن است. لکن حقیقت قضیه این است که انتخابات برای کشور یک افتخار است، یک فرصت است، یک امکان است، یک ذخیره است که اگر شرکت پُرشور مردم باشد، این یقیناً به آینده‌ی کشور کمک خواهد کرد. البته اگر این شرکت پُرشور مردم همراه بشود با یک انتخاب درست که حقیقتاً یک نیروی کارآمد و باایمان و پُرانگیزه و علاقه‌مند به کار انتخاب بشود به وسیله‌ی مردم، خب این نورعلی‌نور است و آینده‌ی کشور را تضمین خواهد کرد. حالا من در باب انتخابات، در ماه‌های آینده که فرصت هست، اگر زنده بودم، حرفهای زیاد دیگری دارم که عرض خواهم کرد؛ امروز همین یک جمله را خواستم عرض بکنم. می‌خواهم بگویم علاج دردهای مزمن کشور در پُرشور بودن انتخابات و حضور عمومی مردم و بعد، انتخاب اصلح، انتخاب شخصیت مناسب در انتخابات ریاست جمهوری است.

عمل در مقابل عمل؛ تصمیم جمهوری اسلامی در قبال برجام

آخرین مطلب در باب برجام است. خب من درباره‌ی برجام صحبت کرده‌ام، تازه هم صحبت کرده‌ام، زیاد هم صحبت کرده‌ام، سیاستهای نظام جمهوری اسلامی در باب برجام را مطلقاً گفته‌ایم. حرفهایی زده میشود، وعده‌هایی داده میشود. من می‌خواهم امروز فقط همین یک کلمه را بگویم؛ بگویم ما حرف و وعده‌ی خوب خیلی شنیده‌ایم که در عمل، آن حرفها و وعده‌ها نقض شده و ضدش عمل شده. حرف فایده ندارد، وعده فایده ندارد؛ این دفعه فقط عمل، عمل؛ عمل از طرف مقابل را ببینیم، ما هم عمل خواهیم کرد. با حرف و وعده و اینکه «ما این کار را خواهیم کرد، آن کار را خواهیم کرد» جمهوری اسلامی این دفعه قانع نخواهد بود، مثل گذشته نخواهد بود.

پروردگارا! به محمد و آل محمد، برکات خودت را و لطف و فضل خودت را بر مردم تبریز، بر مردم آذربایجان - آذربایجان شرقی، غربی، اردبیل - به عموم ملت ایران نازل بفرما. پروردگارا! به محمد و آل محمد، روح مطهر امام بزرگوار را که این راه را به روی ما باز کرد، با اولیائت محشور بفرما. پروردگارا! ارواح طیبه‌ی شهدای عزیز را از ما راضی کن. پروردگارا! وجود مقدس ولی‌عصر (ارواحنا فداه) را از ما راضی کن و دعای آن بزرگوار را شامل حال ما بگردان.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

(۱) در ابتدای این دیدار - که به صورت ارتباط تدهاشم (نماینده‌ی ولی‌فقیه در استان آذربایجان شرقی و امام جمعه‌ی تبریز) مطالبی بیان کرد.

(۲) میرزا حسن آشتیانی



۳) میرزا علی ثقة الاسلام تبریزی

۴) شهید آیت الله سید محمد علی قاضی طباطبائی

۵) صحیفه‌ی امام، ج ۳، ص ۳۵۳؛ پیام به اهالی آذربایجان (۱۳۵۶/۱۲/۸)

۶) پیشینیان، گذشتگان

۷) مهرداد اوستا (با کمی تفاوت)

۸)

سوی
عنکبوت، بخشی از آیه ی ۶۹؛ «و کسانی که در راه ما کوشیده‌اند، به یقین راه‌های خود را بر آنان مینماییم
...»

۹) سوره‌ی جن، آیه‌ی ۱۶؛ «و اگر [مردم] در راه درست، پایداری ورزند، قطعاً آب گوارایی بدیشان نوشانیم.»

۱۰) بیانات در دیدار نخبگان جوان علمی (۱۳۹۶/۷/۲۶)

۱۱) فراهم کردن